



آزادی از هوا و هوس بهترین بهره انسان از ماه بندگی

پیامبر اکرم(ص) در آستانه ماه رمضان خطبه ای ایراد فرمودند که در آن از فضائل و اهمیت این ماه بزرگ سخن گفتند. پیامبر اکرم در این خطبه با اشاره به اینکه ماه رمضان نزد خدا بهترین ماه ..

پیامبر اکرم(ص) در آستانه ماه رمضان خطبه ای ایراد فرمودند که در آن از فضائل و اهمیت این ماه بزرگ سخن گفتند. پیامبر اکرم در این خطبه با اشاره به اینکه ماه رمضان نزد خدا بهترین ماه ها، و روزهایش بهترین روزها، و شب هایش بهترین شب ها و ساعاتش بهترین ساعت هاست، و آن ماهی rlm& است که شما را در آن به سوی میهمانی خدا خوانده rlm& اند؛ می فرماید laquo& ای مردم به یقین درهای بهشت در این ماه باز است، از خدا بخواهید که به روی شما نبندد، درهای دوزخ در این ماه بسته است، از خدا درخواست نمایید که به روی شما نگشاید، و شیاطین را در این ماه به زنجیر کشیده rlm& اند از خدا بخواهید که آنان را بر شما چیره نسازد. raquo&

برای بررسی بیشتر فضائل این ماه، مروری اجمالی بر دیدگاه چند کارشناس دینی در مورد این ماه عظیم الشان خواهیم داشت؛

ظاهر و باطن ماه رمضان

آیت الله میرباقری با اشاره به اینکه ماه رمضان دارای ظاهر و باطنی است، می گوید: ظاهرش را همه می فهمند ولی باطنش تابع این است که انسان اهل ماه رمضان باشد مثل قرآن که همه کسانی که سر سفره آن می نشینند ظاهرش را می بینند ولی راه یافتن به باطن آن، اهل می خواهد laquo& إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ * فِی كِتَابٍ مَّكْنُونٍ * لَا یَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ laquo& (واقعه/۷۷-۷۹)؛ این کتاب یعنی قرآن کریم که صاحب کرامت است در کتابی است که کنان و حجاب دارد و مکنون است و اگر کسی پاک نباشد به او اجازه نمی دهند که دستش به قرآن برسد و اگر بخواهد قرآن را لمس کند، ملائکه او را دور می کنند و نمی گذارند به ساحت قرآن نزدیک شود. به اندازه ای که آدم پاک می شود، طهارت معنوی پیدا می کند و درهای غیب و باطن قرآن به رویش باز می شوند. باطن ماه رمضان هم مثل قرآن یک باطن نورانی است.

وی با اشاره به روایتی از پیامبر اکرم می گوید: laquo& عَنْ أُمِّی جَعْفَرٍ قَالَ كُنَّا عِنْدَهُ تَمَانِیَةَ رَجَالٍ قَدَكُرَّتَا رَمَضَانَ فَقَالَ لَا تَقُولُوا هَذَا رَمَضَانٌ وَلَا جَاءَ رَمَضَانٌ قَبْلَ رَمَضَانَ اسْمٌ مِنْ أَسْمَاءِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ لَا یَجِی ءُ وَلَا یَذْهَبُ وَ إِنَّمَا یَجِی ءُ وَ یَذْهَبُ الزَّائِلُ وَ لَكِنْ قَوْلُوا شَهْرُ رَمَضَانَ قَبْلَ الشَّهْرِ مُضَافٌ إِلَى الْإِسْمِ وَ الْإِسْمُ اسْمُ اللَّهِ عَزَّ ذِكْرُهُ وَ هُوَ الشَّهْرُ الَّذِی أُنْزِلَ فِیهِ الْقُرْآنُ جَعَلَهُ مَثَلًا وَ عِیدًا raquo& نگویند رمضان آمد و رمضان رفت. چون رمضان یکی از اسامی حضرت حق است و اسامی الهی هم فقط اسم لفظی نیستند بلکه در عالم، حقیقی هستند و چیزی می آید و می رود که زائل و از بین رفتنی است ولی اسامی الهی دائمی و ابدی هستند laquo& كُلُّ شَیْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ raquo& (قصص/rlm& ۸۸). رمضان از اسامی الهی و فضایی حقیقی در این عالم است و در هر ماه رمضان درهای فضای میهمانی و ضیافت خدا به روی ما باز و در ماه بعد دوباره بسته می شود.

اقسام روزه

آیت الله مظاهری بر اساس روایات روزه به سه قسم دسته بندی می کند و می گوید: روزه منقسم می&ZWNJ; شود به سه قسم: یک روزه عام، یعنی عموم مردم روزه می&ZWNJ; گیرند و این روزه عام طبق رساله&ZWNJ; های عملیه است و به این روزه عوام یا عام می&ZWNJ; گویند؛ یعنی عموم مردم اینطور روزه می&ZWNJ; گیرند و شکم آنها روزه است.

وی می افزاید: روزه دیگر مقداری بالاتر از این است و علاوه بر اینکه شکم روزه است، آن مفطراتی که در رساله گفته شده و اجتناب شده، اعضا و جوارح هم روزه هستند. یعنی چشم و گوش روزه است و زبان روزه است. دروغ و غیبت و تهمت و شایعه پراکنی ندارد و ترانه نمی&ZWNJ; شنود و بالاخره گوش او مثل شکم او روزه است. زبان او هم مثل شکم او روزه است. به این روزه خواص می&ZWNJ; گویند. معنای روزه خواص اینست که اگر فقط شکم روزه باشد، روزه صحیح است و تارک الصوم نیستیم و اما خدا این روزه را قبول نمی&ZWNJ; کند. از همین جهت روایات فراوانی داریم که اگر کسی در ماه رمضان دروغ بگوید، روزه&ZWNJ; اش باطل است. معنایش این نیست که چیزی خورده، بلکه روزه درست است و کفاره هم ندارد، اما خدا قبول نمی&ZWNJ; کند و خدا این روزه را دوست ندارد: laquo& ... إِنَّمَا یَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنْ

آیت الله مظاهری می گوید: خدا روزه؛ ای را دوست دارد که انسان متقی باشد و معناى متقى يعنى همین که تمام اعضا و جوارح او همیشه روزه باشند و من جمله در ماه مبارک رمضان. لذا تقاضا دارم همینطور که مواظب هستید که کم و زیاد نشود و تمام گفته؛ های رساله عمل شود، تقاضا دارم تمام گفته؛ های علمای اخلاق هم عمل شود. چشم و گوش و زبان شما روزه باشد.

لذت در عبادت را به همه نمی؛ دهند

وی ادامه می دهد: قسم دیگری هم هست و مثل همین لذت در عبادت است و به همه نمی؛ دهند و اما شما می؛ توانید از خدا بگیرید و آن اینکه دل هم روزه باشد. افکار بیهوده در دل نیاید، ولو اینکه افکار بیهوده و گناه هم نباشد، و انسان بتواند در ماه مبارک رمضان فکری جز خدا نداشته باشد و ذکرى جز خدا نداشته باشد و یادى جز خدا نداشته باشد، آنگاه هم روزه عوام یعنی روزه فقهی و مرجع تقلید را گرفته و هم روزه علمای علم اخلاق را گرفته یعنی روزه متقین را و هم روزه عرفانی گرفته است و این مهم است. امیرالمؤمنین؛ و السلام؛ و الله؛ و علیه؛ و می؛ فرماید: خدایا! من عبادت نمی؛ کنم برای اینکه بهشت روم و به جهنم نروم، بلکه به مقام عبودیت و لذت از عبادت برسم: وَاَهْلًا لِلْعِبَادَةِ؛ و

آیت الله مظاهری می گوید: حضرت امام؛ و رضوان؛ و الله؛ و تعالی؛ و علیه؛ و می؛ فرمودند که بالاتر از اینها هم برای امیرالمؤمنین؛ و السلام؛ و الله؛ و علیه؛ هست که اینجا نغرموده است و آن این است که انسان برسد به جایی که خدا روزه او را قبول کند و روی آن یک آفرین هم بگوید. انسان برسد به آنجا که آخر ماه رمضان عیدی بگیرد خدا را از خدا. می؛ و رسد به آنجا که روزه او روزه اخص؛ و الخواص است، یعنی هم شکم او و هم اعضا و جوارح او و هم دل او روزه است. اگر بخواهید می؛ و شود و اما معلوم است که مشکل است و ما هم به این دنیا آمده؛ و ایم که مشکل؛ ها را تحمل کنیم برای اینکه به مقام لقا و فنا برسیم.

آزادی از هوا و هوس بهترین بهره انسان از ماه رمضان

آیت الله جوادی آملی با طرح این سوال که بهترین بهره؛ ای که ما در ماه مبارک رمضان می؛ و بریم چیست؟ می گوید: فضایل فراوانی ذکر کردند، یکی از آنها این است که آزادی از بهترین نعمت؛ و هاست، آزادی که انسان از قید هوس و بردگی هوا و سلطنت شیطان بیرون بیاید، این یک نعمت خوبی است. در همان خطبه شعبانیه فرمود: وَاَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ أَنْفُسَكُمْ مَرْهُوَةٌ بِأَعْمَالِكُمْ فَكُفُّوا يَسْتَعْقَارَكُمْ وَ طَهِّرُوا كُفَّكُمْ تَقِيلَةَ مِنْ أَوْزَارِكُمْ فَحَقِّقُوا عَنْهَا يَطُولِ سَجُودُكُمْ؛ و فرمود شما در رهن هستید سعی کنید فک رهن کنید.

وی ادامه می دهد: بیان ذلک این است که هر انسان مدیونی باید رهن بدهد، اگر کسی بدهکار بود رهن می؛ و دهد. در امور مالی وقتی به دیگران بدهکار بود، حالا یا سند خانه؛ و اش یا فرش خانه خود را رهن می؛ و دهد؛ حالا اگر کسی؛ و حق؛ و الله؛ و به عهده داشت، او که نمی؛ و تواند بگویند فرش را در گرو می؛ و گذارم، یا خانه؛ و ات در گرو است! بلکه خود شخص را گرو می؛ و گیرند، اگر کسی؛ و حق؛ و الله؛ و بر عهده داشت، بدهکار بود، مدیون بود، خودش را گرو می؛ و گیرند؛ و وقتی گرو گرفتند دیگر آزاد نیست.

نشانه مرهون بودن جان انسان

وی می گوید: این که می؛ و بینید بعضی؛ و ها می؛ و گویند من نمی؛ و توانم زبانم را کنترل کنم یا چشمم را کنترل کنم این بیچاره راست می؛ و گوید، چون در گرو اعمال خود است، می؛ و گوید هر چه می؛ و خواهم زبانم را کنترل کنم نمی؛ و توانم! نمی؛ و توانم؛ یعنی در حد ضرورت، امتناع نیست؛ یعنی سخت است برای او. سرش این است که آزاد نیست، اگر آزاد بشود که زبانش را کنترل می؛ و کند، چشمش را کنترل می؛ و کند؛ یا کسی می؛ و گوید هر چه می؛ و خواهم برای نماز شب یا بشوم نمی؛ و توانم، او راست می؛ و گوید، چون در گرو است وقتی که در گرو باشد دیگر به میل خودش نمی؛ و تواند کار بکند. چه وقت انسان در گرو است؟ مادامی که؛ و حق؛ و الله؛ و را نداد، وقتی؛ و حق؛ و الله؛ و نداد، مدیون بود، هر مدیونی باید گرو بدهد. گرو هم در مسائل اعتقادی و اخلاقی خود شخص است، نه مال او و فرش او!

آیت الله جوادی آملی معتقد است میان ماه محرم و ماه رمضان یک تناسب عبادی وجود دارد. وی در این باره می گوید: یک وقت است که کسی سید الشهداء (سلام الله علیه) را به عنوان امام - معاذالله - نمی شناسد، به عنوان اینکه مظلوم بود یک آهی برایش می کشد، آن یک حساب است؛ اما یک وقت شیعه حضرت است، می داند امام مظلومانه شهید شد؛ ولی او را همتای ماه مبارک رمضان قرار دادند. حضرت در همین خطبه شعبانیه چه فرمود؟ فرمود: «أَنْفَاسُكُمْ فِيهِ تَسْبِيحٌ وَ تَوَكُّمٌ فِيهِ عِبَادَةٌ»؛ در جریان سید الشهداء هم فرمودند به اینکه «نَفْسُ الْمَهْمُومِ لَطْمًا تَسْبِيحٌ»؛ شیعه اگر در جریان کربلا یک آهی بکشد، این مثل «سبحان الله» است، ببینید که بین ماه مبارک رمضان و محرم چه تناسبی هست؟! این ولایت و آن نزول قرآن چه تناسبی هست؟ خیلی تناسب هست؛ اینجا فرمود «أَنْفَاسُكُمْ فِيهِ تَسْبِيحٌ»؛ چون صائم هستید، «الصَّوْمُ لِي» اگر نفس صائم عبادت است، نفس کسی که غمگین شده برای سید الشهداء عبادت است، «نَفْسُ الْمَهْمُومِ لَطْمًا تَسْبِيحٌ وَ هَمَّهُ لَنَا عِبَادَةٌ»؛ پس معلوم می شود ذات اقدس الهی با این برکات ما را دارد اداره می کند. امسال خودمان دیدیم که باران فراوان آمد، ما با اشتیاق وارد کشاورزی می شویم، اینجا فرمود: «قَدْ أَقْبَلَ إِلَيْكُمْ شَهْرُ اللَّهِ»؛ بِالْبَرَكَةِ وَ الرَّحْمَةِ؛ آدم با اشتیاق وارد ماه مبارک رمضان می شود. آنچه که بیرون از جان ما هست، برای ما نیست، خلاصه حرف! برای اینکه همه ما را رها می کنند و ما هم همه را رها می کنیم. اگر تنها چیزی که برای ما هست همین جان است، این هم اگر - خدای ناکرده - در رهن دیگری باشد، آن وقت چیزی در اختیار ما نمی ماند، پس ماه مبارک رمضان ماه آزادی است؛ البته در هر فرصتی از فرصت های سال انسان بتواند استغفار بکند، فک رهن می شود، اینجا فرمود: «إِنَّ أَنْفُسَكُمْ مَرْهُونَةٌ بِأَعْمَالِكُمْ فَكُفُّوا يَسْتَعْفِرْكُمْ».

فلسفه ماه مبارک رمضان

آیت الله کاظم صدیقی در مورد فلسفه ماه مبارک رمضان می گوید: فلسفه ماه مبارک رمضان این است که خدای متعال خواسته در این یک ماه آن آینه زنجی که در وجود ما قرار داده است و این تعلقات مادی آن آینه را غبار آلود کرده است، دل خدا نما نیست، امام زمان نما نیست، وحی نما نیست، حق نما نیست. چرا؟ برای این که غبار آلود شده است. تعلقات این دنیا، معصیت های این دنیا، رذایل اخلاقی، هواها و هوس های، توهومات و تخیلات جلوی آینه زنجی قلب ما را یا مثل غبارهایی که روی هم انباشته می شود و آینه دیگر نور منعکس نمی کند، یا مثل پرده های ضخیمی که جلوی پنجره انداختی دیگر نور دیده نمی شود. ماه مبارک رمضان را خدای متعال منت بر ما گذاشت است، خواسته ما خدا بین شویم. چطور می شود خدا بین شد؟ باید بتوانیم خودبینی را کنار بگذاریم. آن که باعث می شود آدم خود را ببیند «كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ»؛ * أَنْ رَأَى اسْتَعْنَى؛ آدم را مال دنیا مست می کند، قدرت مست می کند، سیری آدم را مست می کند، شهوت آدم را مست می کند. خدا خواسته است آدم با تحمل گرسنگی یک مقدار ضعف خود را بفهمد، یک مقدار فقر خود را بفهمد. اندرون از طعام خالی دار/ تا درون نور معرفت بینی

روزه برای خدا است

وی ادامه می دهد: خدای متعال در حدیث قدسی فرموده است: «الصَّوْمُ لِي وَ أَتَا أُجْرِي يَهِي»؛ یا «أَتَا أُجْرِي يَهِي»؛ روزه برای من است. همه چیز برای خدا است، مگر نماز برای خدا نیست. این کلمات پیامبر اکرم را در قرآن کریم خدا مأمور کرده است، او هم گفته است نقل هم کرده است.

خدا مالک مطلق است

وی می گوید: «قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَ نُسُكِي وَ مَحْيَايَ وَ مَمَاتِي لِلَّهِ»؛ حبيب من، اقرار کن بگذار مردم هم بدانند تو هیچ کاره هستی. «قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَ نُسُكِي وَ مَحْيَايَ وَ مَمَاتِي لِلَّهِ»؛ بگو که نماز من، نسک و عبادت من، حیات و ممات من، زندگی من و مرگ من همه برای خدا است، خدا مالک مطلق است. من مالک زندگی خود نیستم، خدا به من داده است. تا دارم خدا دم به دم می دهد، اگر نازی کند در هم فرو ریزند قالب ها. یک لحظه خدا نظر خود را بردارد من نیستم، این زندگی را خدا دارد می دهد، هر نفسی که فرو میرود ممد حیات است و چون برمی آید مفرح ذات. پس در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکری واجب.

آیت الله صدیقی می گوید: خدا دارد نفس به ما می‌دهد؛ زwnj& می‌دهد، دم به دم داریم از خدا می‌گیریم. مرگ هم در دست خدا است، نه با جبهه رفتن از عمر کسی کم شده است، نه با جبهه نرفتن عمر کسی طولانی شده است. خدا برای هر کسی یک اجل را نوشته است. تعداد روزهای عمر همه پیش خدا است، عقبه زwnj& ی اجل را نه می‌زنند؛ شود یک ساعت جلو آورد و نه می‌زنند؛ شود یک ساعت عقب برد. نه، مرگ را می‌زنند؛ شود آدم جلو و عقب کند و نه روزی را، روزی هم مقدر است. به همان مقداری که خدا مقدر کرده است به ما می‌زنند؛ رسد نه کم و نه زیاد. این است که همه چیز برای خدا است.

روزه دعوت به مواسات است

وی با طرح این سوال که چرا خدا برای روزه حساب خاصی را باز کرده است؟ می گوید: برای این زwnj& که روزه بیچارگی آدم را به آدم نشان می‌دهد؛ زwnj& دهد آدم تا گرسنه نشده است، تا محتاج نشده است، »؛ گلا إِنِّ الْإِنْسَانَ لَظَٰئِفٌ * أَنْ رَأَاهُ اسْتَغْنَى؛ روزه آدم را به مواسات دعوت می‌کند. من را باشد از درد طفلان خبر/ که در خورده زwnj& ی به سر برفتم پسر

وی ادامه می دهد: درد یتیمی را کسی می‌زند؛ داند که خود او یتیمی کشیده باشد. از این جهت وجود مبارک حضرت ثامن الحجج، ولی نعمت ما ایرانی زwnj& ها علیّ ابن موسی الرضا (علیه آلاف تحیه و الثناء) فرمودند: خدا روزه را واجب کرد تا اغنیا درد گرسنه زwnj& ها را بفهمند. تا آدم گرسنگی نکشد درد گرسنه زwnj& ها را نمی‌فهمد. ولی آدم روزه داری کرد، می‌فهمد گرسنگی یعنی چه و این برای انسان انقطاع می‌آورد.

انسان با فقر ذاتی به خدا وصل می‌شود

آیت الله صدیقی می گوید: فلسفه زwnj& ماه مبارک رمضان این است که خدا فرموده است روزه برای من است، زمانی که آدم نماز می‌خواند این احساس را ندارد. ولی وقتی ۱۶، ۱۷ ساعت گرسنگی می‌زند؛ زwnj& کشی عالم تو عالم دیگری است. می‌فهمی ضعف یعنی چه، می‌فهمی فقر یعنی چه، نیاز یعنی چه، گرسنگی یعنی چه. آدم از فقر خود به خدا وصل می‌شود نه از غنای خود به خدا وصل می‌شود. این است که «؛ البلاء للولا. هر کس در این بزم مقرب زwnj& تر است/ جام بلا بیشترش می‌دهند

وی ادامه می دهد: خدا بعضی زwnj& ها را به یک زwnj& طوری بیچاره می‌زند؛ کند، تا آدم بیچاره نشود، خدای خود را نمی‌شناسد، زwnj& خدا را بندگی نمی‌کند. وجود نازنین خاتم انبیاء محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله و سلم) و علی مرتضی امیر المؤمنین و ائمه زwnj& هدی (صلوات الله علیهم أجمعین) خدای متعال آن زwnj& ها را با فقر ذاتی خود آشنا کرده بود. امام حسین (علیه السلام) در دعای عرفه دارد «؛ إِلَٰهِي مَنْ كَانَتْ مَحَاسِنُهُ مَسَاوِي فَكَيْفَ لَا يَكُونُ مَسَاوِيَهُ مَسَاوِي؟ بعد دارد خدایا کسی که در غنای خود فقیر است، «؛ فَكَيْفَ لَا أَكُونُ فَقِيرًا فِي قَفَرِي؟ من وقتی که دارا هستم ما خیال می‌کنیم مستقل هستیم، ما دارا هستیم، این فکر فکر قارونی است. وقتی حضرت موسی به قارون گفت: ذکات مال خود را بده، گفت: إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَىٰ رِئَاسَةٍ؛ من علم اقتصاد بلد بودم، بازاریابی کردم، فرصت زwnj& شناسی کردم، این همه دارا شدم. ولی پیغمبر می‌گوید: حتی نماز من برای خود من نیست، نفس من هم برای خود من است. این برای ما اکتسابی است، برای پیغمبر و ائمه موهبتی است. آن زwnj& ها می‌دانستند هیچ ندارند، به عدد داشته زwnj& های خود به خدا احتیاج دارند، به عدد داشته زwnj& های خود به خدای متعال وابسته هستند. وابستگی پیغمبر چون رحمه للعالمین است به وسعت همه زwnj& ی عالمین محتاج به خدا بود، لذا فقر پیغمبر حد ندارد. ولی ما را خدای متعال با روزه، با مریضی، با درد، با جنگ متوجه خود می‌کند.

ماه رمضان به انسان رنگ خدا می‌دهد

آیت الله صدیقی می گوید: لذا ماه مبارک رمضان هم به اعتبار طول مدت آن است که یک ماه خدای متعال واجب کرده است که ما گرسنگی را تمرین کنیم. سحرها عالمی دارد «؛ كَانُوا قَلِيلًا مِنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ * وَ يَالْأَسْحَارَ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ؛ دوش وقت سحر از غصه نجاتم دادند/ وندران ظلمت شب آب حیات دادند

وی معتقد است: آدم بخواهد به خدا وصل شود، همیشه خود را فقیر به خدا بداند، ماه رمضان یک فضایی است، یک آموزشگاهی است، یک دوره زwnj& ی فشرده زwnj& ای است، یک مغناطیس مستحکمی است که اگر کسی با

معرفت وارد ماه مبارک رمضان شود، ماه رمضان به آدم رنگ خدا می‌دهد. تا من، من هستم خدا من را رها می‌کند، تا افتادم خدا من را بلند می‌کند. افتاده باشید تا دست شما را بگیرد. ماه رمضان ماه افتادگی است، ماه گردنکشی نیست، ماه تگبر نیست، ماه بداخلاقی نیست، ماه بد عنقی نیست، ماه رحمت است، ماه مهربانی است، ماه عاطفه است، ماه بیچارگی در پیشگاه خدا و دستگیری از بیچارگان است. لذا «وَأَنَا أَجْزَى يَهُيُّ» یا «أَجْزَى يَهُيُّ» برای بعضی‌ها «أَجْزَى يَهُيُّ» برای بعضی‌ها «أَجْزَى يَهُيُّ» ولی هر دو مقام بلندی است. بعضی‌ها روزه می‌گیرند، روزه آن‌ها را به خدا می‌رساند، یعنی خدا خود را به روزه‌دار می‌دهد. انسان مظهر خدا می‌شود، اسمی از اسماء الله می‌شود، تخلّق به اخلاق الله پیدا می‌کند. بعضی‌ها خصوصی خدا می‌شوند، ولی ظرفیت ندارد که اسم الله شود، ظرفیت ندارد متخلّق به اخلاق روحانیون شود، خدا آن‌ها را خصوصی پذیرایی می‌کند. «أَنَا أَجْزَى يَهُيُّ» خود من چون او را مهمان کردم پذیرایی آن هم برای خود من است. ماه خود او است، ماه خدا است، مهمان خدا هستیم.